



## بررسی رابطه رضایت زناشویی مادران با سازگاری اجتماعی و سلامت روان فرزندان دختر دانش آموز دبیرستانی

شهرستان اهواز

ناصر بهروزی<sup>۱</sup>

طیبه مرادی<sup>۲</sup>

مینوپشنگ<sup>۳</sup>

فاطمه زرگر<sup>۴</sup>

### چکیده

**هدف:** هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه رضایت زناشویی مادران با سازگاری اجتماعی و سلامت روان فرزندان دختر دبیرستانی شهرستان اهواز می باشد.

**روش:** روش مطالعه این پژوهش از نوع توصیفی همبستگی است که بر روی نمونه ۱۸۰ نفری دانش آموزان دختر منطقه یک، با پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ، سازگاری دانش آموزان دبیرستانی و سلامت روان GHQ اعمال شد.

**یافته ها:** یافته های پژوهش حاضر که با روش همبستگی پیرسون و رگرسیون گام به گام به دست آمد، نشان داد که بین نمره کل رضایت زناشویی مادر با سازگاری اجتماعی فرزند دختر رابطه معنادار وجود ندارد و از خرده مقیاس های رضایت زناشویی که شامل موضوعات شخصیتی، ارتباط زناشویی، حل تعارض و ازدواج و بچه ها می باشد فقط بین موضوعات شخصیتی رابطه معنادار وجود دارد ولی در خرده مقیاس های دیگر رابطه معنادار مشاهده نشده است. همچنین بین نمره کل رضایت زناشویی مادر با سلامت روان فرزندان دختر رابطه معنادار وجود دارد که در تمامی خرده مقیاس ها نیز این همبستگی مورد تایید قرار گرفته است.

**نتیجه گیری:** در مورد سازگاری اجتماعی فقط موضوعات شخصیتی در رضایت زناشویی می تواند سازگاری اجتماعی فرزند دختر را پیش بینی کند و بقیه خرده مقیاس ها قدرت پیش بینی کنندگی ندارند اما در سلامت روان به ترتیب ازدواج و بچه ها، موضوعات شخصیتی و ارتباط زناشویی قدرت پیش بینی کنندگی دارند و حل تعارض نمیتواند پیش بینی کننده سلامت روان فرزند دختر باشد.

**کلید واژه ها:** رضایت زناشویی، سازگاری اجتماعی، سلامت روان

<sup>۱</sup> دانشیار و عضو هیات علمی دانشگاه شهید چمران اهواز

<sup>۲</sup> کارشناسی روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز

<sup>۳</sup> کارشناسی روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز

<sup>۴</sup> مربی آموزشی



## مقدمه

خانواده یکی از کهن‌ترین هسته‌های جامعه است که از بدو پیدایش بشر وجود داشته است و کانون تربیت فرزندان و حفظ سنت‌های اجتماعی در روابط زندگی انسانهاست. محیط خانه اولین و مهمترین عاملی است که بر رشد شخصیت افراد تاثیر می‌گذارد. ایده‌آلها و آرزوهای والدین، میزان رضایت آنها از روابط زناشویی و سبک فرزندپروری<sup>۱</sup> آنها، همگی می‌توانند بر شکل دهی رفتار کودک و سلامت روان<sup>۲</sup> او نقش بسزایی داشته باشند (رضاییان، ۱۳۸۳). روابط رضایت‌بخش و حمایت‌کننده زناشویی سبب میشود که والدین نقشهای خود را راحت‌تر بپذیرند و روابط رضایت‌بخش زن و شوهر با فرزندپروری دلسوزانه رابطه دارد (یاسایی، ۱۳۷۲) فلدمن و همکاران (۱۹۹۰) و فیشرمن و همکاران (۲۰۰۰) نشان دادند که رضایت زناشویی<sup>۳</sup>، با سازگاری روانشناختی<sup>۴</sup> کودکان رابطه دارد و سبک‌های فرزندپروری و خصوصیات شخصیتی والدین نقش متغیر تعدیل‌کننده را ایفا می‌کنند. پژوهش بر روی رضایت زناشویی والدین کودکان کم توان ذهنی و کودکان عادی نشان داد که میانگین نمرات رضایت زناشویی در گروه والدین کودکان عادی بیشتر از گروه والدین کودکان کم توان ذهنی است و این تفاوت در سطح  $p < 0.001$  معنادار است. از طرف دیگر با مقایسه تفاوت پدران و مادران در رضایت زناشویی نتایج حاکی از این است که تفاوت معناداری وجود ندارد (به‌پژوه و رضایی، ۱۳۸۴). ملاباقری، جلال منش، حجت زراعتی (۱۳۸۳) به بررسی میزان نشانه‌های افسردگی نوجوانان و ارتباط آن با رضایت زناشویی مادران آنان در شهرستان تویسرکان پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد که میزان نشانه‌های افسردگی در نوجوانان ۷۴.۵ درصد بود و نیز میزان نارضایتی مادران ۲.۸ درصد بود. از نظر آماری ارتباط معنی داری معکوس بین میزان افسردگی نوجوانان و میزان رضایت زناشویی مادران وجود داشت ( $p < 0.001$ ). فلدمن (۱۹۹۰) در پژوهشی به نام رضایت زناشویی والدین پیش از نوجوانی فرزندان و رابطه آن با خانواده و عملکرد کودکان، دو جنبه از پیشرفت عاطفی - اجتماعی فرزندان و پیشرفت تحصیلی را بررسی کرد و رابطه‌هایی را که ممکن بود موثر باشند، مورد ارزیابی قرار داد. نتیجه آن که ویژگی‌های فردی والدین و تجربیات تربیت بچه با کیفیت ارتباط زناشویی به طور معنی داری با نتایج هر حوزه ای از عملکرد کودک ارتباط داشت. رضایت زناشویی مادران با عملکرد خانوادگی ارتباط بالایی داشت. رضایت زناشویی پدران با پیشرفت تحصیلی فرزندان و رشد خود کنترلی آنها ارتباط بالایی داشت. گرونیک (۱۹۹۶) متغیرهای والدینی در طول نوجوانی یعنی (استرس، حمایت و رضایت زناشویی، شناخت اجتماعی و حوزه‌های عملکرد کودک) را مورد بررسی قرار داد. ۵۳ مادر و ۳۸ پدر که نوجوانان بین ۱۳ تا ۱۸ سال داشتند بر حسب ۳ بعد والدینی یعنی دلبستگی، حمایت مستقلانه و ساختارهای عملکردی مورد ارزیابی قرار گرفتند. آنها پرسشنامه‌های مربوطه را تکمیل نمودند. نتیجه در مورد مادران نشان داد که تعداد زیادی از وقایع فشارزای اخیر، می‌تواند پیش بینی‌کننده ساختارهای عملکردی ضعیف باشد و ارتباط میان والدین و نوجوانان آشکارا با مشکل مواجه بود. رابطه مشاهده شده، نشان دهنده مشکل نوجوانان و والدین در ارتباط با محیط و فضای فیزیکی خانه بود. تحقیقات الری و وایدر<sup>۵</sup> (۲۰۰۵) نشان داده‌اند که میزان سازگاری زناشویی، تا اندازه‌هایی هماهنگ نبودن فرزندپروری را پیش بینی می‌کند و هماهنگ نبودن فرزندپروری، تا حدودی پیش بینی‌کننده واکنش افراطی والدین است که آن نیز به نوبه خود پیش بینی‌کننده مشکلات رفتاری کودک است (گریچ، فینچام و

1- Parenting style

2- mental health

3- Marital satisfaction

4- Psychological adaptation

5- O'leary & Withler



اسبورن<sup>۱</sup>، ۱۹۹۴). با توجه به آنچه گفته شد این پژوهش بر آن است که به بررسی رابطه رضایت زناشویی مادران با سازگاری اجتماعی و سلامت روان فرزندان دختر بپردازد.

## روش

روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی است.

## جامعه آماری، نمونه و روش نمونه گیری

جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه دانش آموزان دختر دبیرستانی شهرستان اهواز می باشد که در نیمسال اول ۹۲-۹۱ مشغول به تحصیل بودند. نمونه آماری ۱۵۰ دانش آموز دختر دبیرستانی شهرستان اهواز، به روش نمونه گیری تصادفی چند مرحله ای انتخاب شد. به این ترتیب که ابتدا از میان چهار منطقه، منطقه یک به صورت تصادفی انتخاب و سپس از میان مدارس این منطقه، دو مدرسه و از هر مدرسه دو کلاس به صورت تصادفی انتخاب و سپس پرسشنامه سلامت روان و سازگاری اجتماعی برای دانش آموز و رضایت زناشویی برای مادرانشان ارائه شد. پس از اجرای تحقیق ۱۰۲ پرسشنامه در مرحله ی فرضیه آزمایی برگشت داده شدند. حجم نمونه با رجوع به جدول کرجسی و مورگان (۱۹۷۰، به نقل از بیابانگرد، ۱۳۸۴) تعیین شد.

## ابزارهای اندازه گیری پژوهش

۱- پرسشنامه سلامت عمومی<sup>۲</sup> GHQ-۲۹: پرسشنامه سلامت عمومی اولین بار توسط گلدبرگ (۱۹۷۲) تنظیم شد که دارای ۶۰ سوال می باشد و فرم های کوتاه ۲۸، ۳۰ و ۱۲ سوالی آن نیز تهیه شده است. فرم ۲۸ سوالی توسط تقوی در دانشگاه شیراز ترجمه و با جامعه ایرانی منطبق شده است. در این پژوهش همسانی درونی پرسشنامه سلامت عمومی کل نمونه که با روش آلفای کرونباخ اندازه گیری شد، ۰.۹۰ به دست آمده است که ضریب پایایی بسیار خوبی می باشد و نشان می دهد که پرسشنامه سلامت عمومی از ثبات و پایایی بسیار بالایی برخوردار است.

۲- پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ<sup>۳</sup> Enrich: این پرسشنامه به عنوان یک ابزار تحقیقی معتبر در بررسی های متعددی جهت اندازه گیری رضایت زناشویی، مورد استفاده قرار گرفته است. اولسون از این پرسشنامه برای بررسی رضایت زناشویی استفاده نمود و معتقد است که این مقیاس مربوط به تغییراتی است که در طول دوره حیات آدمی رخ می دهد. در پژوهش حاضر پایایی پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ در کل نمونه که با استفاده از روش آلفای کرونباخ اندازه گیری شد، ۰.۹۳ بود که ضریب پایایی بسیار خوبی می باشد و نشان می دهد که پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ از ثبات و پایایی بالایی برخوردار است. در پژوهش حاضر نیز روایی همزمان پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ، از طریق سنجش میزان همبستگی آن با پرسشنامه سازگاری خانواده (FAD) اندازه گیری شد. روایی این دو پرسشنامه ۰.۶۰ بود و نشانگر روایی همزمانی مناسب برای پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ می باشد.

۳- پرسشنامه سازگاری دانش آموزان دبیرستانی<sup>۴</sup>: این پرسشنامه درصدد است تا دانش آموزان دبیرستانی (گروه سنی ۱۸-۱۴ ساله) با سازگاری خوب را از دانش آموزانی با سازگاری ضعیف در سه حوزه سازگاری عاطفی، اجتماعی و آموزشی جدا سازد. در پژوهش حاضر برای مشخص کردن اعتبار آزمون، پرسشهایی تحت عنوان پرسشنامه روابط شخص با خود و با دیگران مورد استفاده قرار گرفت که میزان همبستگی با این آزمون،  $r = 0.29$  به دست آمد که در سطح ۰.۰۱ معنادار بود. در مورد پایایی آزمون از روش آلفای کرونباخ استفاده گردید که ۰.۷۳ می باشد.

<sup>1</sup>- Grich, fincha, osborn

<sup>2</sup>- General healthquestionnaire

<sup>3</sup>- Marital satisfactionEnrichquestionnaire

<sup>4</sup>- Adjustment Questionnaire high school students(AISS)



یافته ها

جدول ۱ ضریب همبستگی پیرسون بین خرده مقیاسهای رضایت زناشویی مادر با سازگاری اجتماعی فرزندان دختر آنها

سازگاری اجتماعی فرزندان دختر		متغیر ملاک
		متغیر پیش بین
سطح معنی داری	ضریب همبستگی	موضوعات شخصیتی
۰.۰۰۰	۰.۵۸۰	ارتباط زناشویی
۰.۸۷۶	۰.۰۱۶	حل تعارض
۰.۲۷۹	۰.۱۰۸	ازدواج و بچه ها
۰.۸۶۳	۰.۰۱۷	رضایت زناشویی مادر
۰.۹۳۱	-۰.۰۰۹	

جدول ۲ ضریب همبستگی پیرسون بین رضایت زناشویی مادر و خرده مقیاسهای آن با سلامت روان فرزندان دختر آنها

سلامت روان فرزندان دختر		متغیر ملاک
		متغیر پیش بین
سطح معنی داری	ضریب همبستگی	موضوعات شخصیتی
۰.۰۱۱	۰.۲۵۲	ارتباط زناشویی
۰.۰۰۰	۰.۳۷۲	حل تعارض
۰.۰۰۳	-۰.۲۸۹	ازدواج و بچه ها
۰.۰۰۰	-۰.۳۸۵	رضایت زناشویی مادر
۰.۰۰۲	-۰.۳۰۳	

جدول ۳ ضریب همبستگی چندگانه (رگرسیون) با روش گام به گام بین خرده مقیاسهای رضایت زناشویی مادر با سازگاری اجتماعی فرزندان دختر آنها

متغیرهای پیش بین	(MR)	(RS)	F	ضرایب رگرسیون
موضوعات شخصیتی	۰.۵۸۰	۰.۳۳۷	۵۰.۷۴۲	$\beta=۰.۰۵۸۰$
				$B=۴.۷۱۸$
				$t=7.123$
				$p=0.000$

با توجه به جدول فوق اینگونه استنباط می شود که از خرده مقیاسهای رضایت زناشویی فقط خرده مقیاس موضوعات شخصیتی مادر پیش بینی کننده سازگاری اجتماعی فرزند دختر می باشد و خرده مقیاسهای ارتباط زناشویی، حل تعارض و ازدواج و بچه ها در رضایت زناشویی مادر، قدرت پیش بینی کنندگی سازگاری اجتماعی فرزندان دختر را ندارد.



جدول ۴ ضریب همبستگی چندگانه (رگرسیون) با روش گام به گام بین خرده مقیاسهای رضایت زناشویی مادر با سلامت روان فرزندان دختر آنها

متغیرهای پیش بین	(MR)	(RS)	F	ضرایب رگرسیون (B)
ازدواج و بچه ها	۰.۳۸۵	۰.۱۴۸	۱۷.۳۸۳	$\beta=۰.۰۳۸۵$ $B=۱.۸۴۰$ $t=۴.۱۶۹$ $p=0.000$
موضوعات شخصیتی	۰.۴۶۱	۰.۲۱۱	۱۳.۳۳۳	$\beta=۰.۰۲۵۳$ $B=۳.۷۲۲۲$ $t=۲.۸۳۸$ $p=۰.۰۰۰۶$
ارتباط زناشویی	۰.۵۰۷	۰.۲۵۷	۱۱.۲۸۸	$\beta=۰.۰۳۸۵$ $B=۱.۴۸۳$ $t=۴.۳۲۱$ $p=0.000$
				$\beta=۲.۴۲۵$ $B=۰.۰۹۸۲$ $t=۲.۴۲۵$ $p=۰.۰۱۷$
				$\beta=۲.۸۲۴$ $B=۳.۶۱۶$ $t=۲.۸۲۴$ $p=۰.۰۰۰۶$
				$\beta=۰.۲۷۶$ $B=۱.۳۲۱$ $t=۲.۸۱۸$ $p=۰.۰۰۰۶$

با توجه به نتایج حاصل از جدول فوق می توان گفت که از خرده مقیاس های رضایت زناشویی، ازدواج و بچه ها بیشترین قدرت پیش بینی در بررسی سلامت روان فرزند دختر را دارد و بعد از آن موضوعات شخصیتی است که می تواند پیش بینی کننده باشد و در آخر نیز ارتباط زناشویی مادر است که می تواند پیش بینی کننده سلامت روان فرزند دختر باشد و در این میان حل تعارض هیچ گونه قدرت پیش بینی کننده را ندارد.

### بحث و نتیجه گیری

فرضیه ۱ بین رضایت زناشویی مادران با سازگاری اجتماعی فرزندان دختر رابطه معنادار وجود دارد نتایج مربوط به فرضیه ۱ در جدول ۱ ارائه شده است. ضریب همبستگی بین رضایت زناشویی مادر و سازگاری اجتماعی دختر  $I=۰.۰۰۹$  بود که در سطح  $۰.۰۱$  معنی دار نمی باشد. بر این اساس فرضیه ۱ رد می شود. جدول ۱ نشان می دهد که بین رضایت زناشویی مادران با سازگاری فردی- اجتماعی دختران آنان گرچه رابطه مثبت وجود دارد ولی این رابطه به سطح معنی داری نرسیده است. شاید بتوان این گونه نتیجه گرفت که رضایت از ازدواج، نوعی احساس مادر است و ممکن است این احساس درونی در عملکردهای سازشی فرزند دختر مداخله نداشته باشد. تبیین دیگر اینکه مادر ممکن است از شرایط زوجی خود رضایت داشته باشد اما با دختر نوجوان خود در روابط فی ما بین درگیریهایی فکری و رفتاری نشان دهد و ممکن است متغیرهای دیگر در این امر دخالت داشته باشند. در مجموع این فرضیه مورد تأیید قرار نگرفت در حالی که بیشتر تحقیقات انجام شده بر ارتباط مثبت بین رضایت زناشویی مادر بر سازگاری اجتماعی دختر تأکید دارد مانند شیک دانیل (۱۹۹۶)، لیم، هی، سو (۱۹۹۴) و فلدمن (۱۹۹۰). اما لازم به ذکر است که این یافته با پژوهشی که توسط امین شریفی (۱۳۷۶) و همچنین شریف نیا (۱۳۷۹) انجام گرفته است همخوانی دارد.



فرضیه (۱-۱) بین مولفه موضوعات شخصیتی در رضایت زناشویی مادران با سازگاری اجتماعی فرزندان دختر رابطه معنادار وجود دارد.

با توجه به اینکه همبستگی موضوعات شخصیتی که در سطح (۰.۰۰۰) مقدار (۰.۵۸۰) می باشد، در نتیجه این فرضیه تایید می شود. این نشان دهنده رابطه مستقیم بین موضوعات شخصیتی در رضایت زناشویی مادر با سازگاری اجتماعی فرزند دخترش می باشد. یعنی هر چه نمره فرد در این خرده مقیاس افزایش می یابد نمره سازگاری فرزند دخترش نیز افزایش می یابد و بالعکس هر چه نمره فرد در این خرده مقیاس کاهش می یابد نمره سازگاری فرزند دخترش نیز کاهش می یابد. البته شایان به ذکر است که از خرده مقیاسهای رضایت زناشویی مادر که در این پژوهش با سازگاری اجتماعی سنجیده می شود تنها خرده مقیاسی که در آن همبستگی مثبت دیده می شود خرده مقیاس موضوعات شخصیتی می باشد که با مراجعه به پرسشنامه این گونه استنباط می شود که سوالات مربوط به این خرده مقیاس ویژگیهای ذاتی شخصیت فرد را می سنجد. البته با توجه به اینکه بین نمره کل رضایت زناشویی مادر با سازگاری اجتماعی فرزند دخترش رابطه معناداری مشاهده نشده، نتیجه حاصل از این خرده مقیاس قابل بررسی می باشد و باید با احتیاط تبیین شود.

فرضیه (۱-۲) بین مولفه ارتباط زناشویی در رضایت زناشویی مادران با سازگاری اجتماعی فرزندان دختر رابطه معنادار وجود دارد. در تبیین این فرضیه باید گفت که بین ارتباط زناشویی مادر و سازگاری اجتماعی فرزند دختر رابطه معناداری مشاهده نشده و فرضیه ۱-۲ رد می شود. این نتیجه همسو با نتیجه ای می باشد که از فرضیه ۱ بدست آمده است. در تحقیقاتی که در این زمینه انجام شده و موضوع این پژوهش را مورد ارزیابی قرار داده اند، نمره کل رضایت زناشویی را بررسی کرده اند و خرده مقیاسها را بررسی نکرده اند. در نتیجه تحقیقات همسو و غیرهمسو با این خرده مقیاس یافت نشد.

فرضیه (۱-۳) بین مولفه حل تعارض در رضایت زناشویی مادران با سازگاری اجتماعی فرزندان دختر رابطه معنادار وجود دارد. در طول سالها محققان متعددی پیشنهاد کرده اند که تعارض زناشویی به طور مستقیم علت مشکلات سازگاری فرزندان نیست. بلکه تعارض زناشویی بر فرزندان از طریق بدتر شدن رابطه والد- فرزند تاثیر می گذارد. بیشتر تحقیقات در این زمینه از خانواده به عنوان یک سیستم یاد کرده اند و معتقدند که تعارض زناشویی به منزله ی تخریب کننده سیستم است که به شکست در روابط دیگر این سیستم منجر می گردد.

فرضیه (۱-۴) بین مولفه ازدواج و بچه ها در رضایت زناشویی مادر با سازگاری اجتماعی فرزند دختر رابطه معنادار وجود دارد. در این فرضیه نیز همبستگی معنی داری مشاهده نشده، در نتیجه این فرضیه نیز رد می شود.

فرضیه (۲) بین رضایت زناشویی مادران با سلامت روان فرزند دختر رابطه معنادار وجود دارد. با توجه به جدول ۱ ضریب همبستگی بین رضایت زناشویی مادران و سلامت روان فرزندان دختر (۰.۳۰۳) در سطح معنی داری (۰.۰۰۲) می باشد. بر این اساس فرضیه ۲ تایید می شود. در نتیجه هرچقدر رضایت زناشویی در مادران بیشتر باشد سلامت روان در دختران بالاتر خواهد رفت. برای مثال بیگی (۱۳۸۶) تحقیقاتی همسو با این پژوهش گزارش کرده مادران دارای اختلافات زناشویی فرزندان با اضطراب بالا پرورش می دهند.

فرضیه (۲-۱) بین مولفه موضوعات شخصیتی در رضایت زناشویی مادر با سلامت روان فرزند دختر رابطه معنادار وجود دارد. همانطور که در جدول ۲ مشاهده شد ضریب همبستگی بین مولفه موضوعات شخصیت در رضایت زناشویی مادران و سلامت روان دختران (۰.۲۵۲) در سطح معنی داری (۰.۰۱۱) می باشد. بر این اساس فرضیه ۱-۲ تایید می شود. این تحقیق نشان می دهد که رابطه مستقیمی بین مولفه موضوعات شخصیتی و سلامت روان وجود دارد یعنی هرچه نمره فرد در این خرده مقیاس افزایش یابد سلامت روان نیز به تبع در فرزندان دختر افزایش می یابد و بالعکس که پژوهشی همسو با این فرضیه صورت نگرفته است.

فرضیه (۲-۲) بین مولفه ارتباط زناشویی در رضایت زناشویی مادر با سلامت روان فرزند دختر رابطه معنادار وجود دارد



طبق جدول ۲ ضریب همبستگی بین مولفه ارتباط زناشویی در رضایت زناشویی مادر (-۰.۳۷۲) در سطح معناداری (۰.۰۰۰) می باشد. فرضیه ۲-۲ تایید می شود. بنابراین هرچه قدر ارتباط زناشویی مناسبتر باشد بر اساس این پژوهش سلامت روان در دختران بهتر و بیشتر است.

فرضیه ۳-۲) بین حل تعارض در رضایت زناشویی مادر با سلامت روان فرزند دختر رابطه معنادار وجود دارد این فرضیه نیز طبق جدول ۲ با ضریب همبستگی (-۰.۲۸۹) و سطح معناداری (۰.۰۰۳) تایید می شود. بدین معنا که حل تعارضات بصورت موفقیت آمیز در مادران به سلامت روان دختران کمک می کند و بر آن تاثیر می گذارد.

فرضیه ۴-۲) بین ازدواج و بچه ها در رضایت زناشویی مادر با سلامت روان فرزند دختر رابطه معنادار وجود دارد طبق جدول ۲ ضریب همبستگی بین ازدواج و بچه ها در رضایت زناشویی مادر با سلامت روان (-۰.۳۸۵) در سطح معناداری (۰.۰۰۰) می باشد. که این فرضیه نیز تایید می شود.

فرضیه ۳) بین مولفه های رضایت زناشویی مادر با سازگاری اجتماعی فرزندان دختر دوره دبیرستان آنها رابطه چندگانه وجود دارد. با توجه به یافته های بدست آمده هیچ کدام از مولفه های رضایت زناشویی به غیر از مولفه ی موضوعات شخصیتی پیش بینی کننده سازگاری اجتماعی در فرزندان دختر نیستند.

فرضیه ۴) بین مولفه های رضایت زناشویی مادر با سلامت روان فرزندان دختر دوره دبیرستان آنها رابطه چندگانه معنادار وجود دارد. با توجه به یافته های بدست آمده همه ی مولفه های رضایت زناشویی به جز مولفه حل تعارض، پیش بینی کننده سلامت روان می باشد. که به ترتیب ازدواج و بچه ها، موضوعات شخصیتی، ارتباط زناشویی بیشترین پیش بینی کننده های سلامت روان هستند.

### منابع فارسی

آزاد، حسین (۱۳۷۹). آسیب شناسی روانی، تهران: بعثت.

به پژوه و رضانی (۱۳۸۴). بررسی رضایت زناشویی والدین کودکان کم توان ذهنی و کودکان عادی، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز ۸۱، ۴-۷۲

بیابانگرد، الف (۱۳۷۴). روشهای افزایش عزت نفس در کودکان و نوجوانان، چاپ پنجم، تهران: انجمن اولیاء و مربیان

بیلر، رابرت (۱۳۸۷). کاربرد روانشناسی در آموزش، جلد دوم چاپ ششم، ترجمه: کدیور، تهران: مرکز نشر دانشگاهی

شریف نیا، فریده (۱۳۷۹). رابطه بین رضایت از ازدواج و افسردگی مادران و ارتباط این متغیرها با سازگاری فردی-اجتماعی و عملکرد تحصیلی فرزندان دختر دوره راهنمایی شهرستان اهواز. پایان نامه کارشناسی ارشد

گنجی، حمزه (۱۳۸۵). بهداشت روانی، تهران: ارسباران

### منابع لاتین

Feldman, S. Shirley, Wentzel, Kathryn R., Weinberger, Daniel A., & Munson, A. (1990). Maritalsatisfaction of parents of preadolescent boys and its relationship tofamily and child functioning. *Journal of Family Psychology*, 4(2), 213-234.



Randall, A. K., & Bodenman, G.(2000).The role of stress on close relationships and marital satisfaction.,*Journal of clinical psychology review*,29,105. – 115

Karney, B., & Coombs, R. H.(2000).Memory biasinlongterm close relationship: consistency or in provement.*personality and social psychology Bulletin*,vol.26(8),PP; 159-970